

رونق دوباره سلاح در یمن

■ این روزها بازارهای خرید و فروش سلاح در یمن با استقبال فراوانی به‌خصوص از سوی شهروندان عادی مواجه می‌شود. زیرا بیم آن دارند که بین نیروهای حکومتی و انقلابیون مبارز علیه رژیم علی عبدالله صالح درگیری‌های مسلحانه‌ای رخ دهد. تاجران اسلحه دراین‌باره می‌گویند سلاح‌های شخصی و متوسط و سنگین این روزها رونق خوبی دارد و در بازارهای خولان، عمران و رایده این مساله به وضوح به چشم می‌خورد. در این بازارها حتی خرید و فروش کلاشینکف و خمپاره‌انداز و ضدهوایی و موشک‌اندازهای آرپی جی نیز رونق خوبی دارد.

خالد یحیی الویقی یکی که خود یک تاجر اسلحه در شهر رایده (۵۰ کیلومتری شمال پایتخت یعنی صنعاء) است می‌گوید دوره گذشته تجارت اسلحه بین همه قبایل رونق داشت اما شرایط سیاسی کشور به این رونق دامن زد و قیمت‌ها را دو برابر کرد. به طوری که قیمت یک مسلسل کلاشینکف که در گذشته ۱۵۰ ریال بود، اکنون به ۳۵۰ ریال یمن (معادل ۱۴۰۰ دلار) رسیده است.

شاهدان عینی در این شهر می‌گویند هزاران نفر از اعضای قبیله حاشد که یکی از طرف‌های درگیری در یمن به حساب می‌آید، بسج شده‌اند و بین آنها به صورت رایگان سلاح تقسیم شده است تا برای روزهای حساس آمادگی داشته باشند. این رونق اسلحه همزمان با آخرین اظهارات جدید علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور یمن است که در برابر قبایل طرفدار خود اعلام کرد قصد کناره‌گیری از قدرت را ندارد. اظهارات رسمی دولت یمن مبنی بر بازگشت قریب‌الوقوع علی عبدالله صالح پس از اتمام تحقیقات مربوط به انفجار مسجد کاخ ریاست‌جمهوری نیز بر این تگرانی‌ها افزوده است و به اعتقاد تحلیل‌گران، اگر راه‌حلی سیاسی یافت نشود، ممکن است به انفجار این وضعیت منجر شود.

عبدالباقی طاهر که یک روزنامه‌نگار یمنی است، می‌گوید علی عبدالله صالح حیات سیاسی کشور را میلیتاریزه می‌کند. این عادت همیشگی او طی ۳۴ سال حکومت از سال ۱۹۷۸ تاکنون بوده است. وی می‌افزاید: صالح تاکنون با مخالفتش در ۴۵۰ جنگ کرده است. او ناتوان از ارایه یک راه‌حل سیاسی است برای همین فوراً طرفداران خود را مسلح می‌کند و همین مساله مخالفان را به صورت ناگزیر به سمت تجهیز نظامی سوق داده و در نهایت ممکن است کشور را به سمت یک جنگ داخلی بکشد.

وی دلایل رونق خرید و فروش سلاح در یمن را آن می‌داند که یک رئیس‌جمهور مریدی در بستر بیماری‌اش مخالفان خود را تهدید به استفاده از سلاح و زور کند. به گفته وی این روی آوردن به سلاح نشانه یأس و لبریز شدن کاسه صبر مردم از این وضعیت است. به اعتقاد طاهر، علی عبدالله صالح مصمم است که همچنان از طریق نظامی وارد شود و بهترین دلیل بر این مساله نیز عدم امضای طرح پیشنهادی شورای همکاری خلیج‌فارس است. حال آنکه این طرح تمام خواسته‌های صالح را در نظر گرفت و تمام شروطش را پاسخ داد. وی از کشورهای همسایه می‌خواهد که مسؤولیت‌های اخلاقی و ادبی و سیاسی خود را فراموش نکنند و با پشتیبانی خودشان از این رژیم که منشاء همه‌گونه خطر برای یمن بوده است، اوضاع را بیش از این وخیم نکنند.

همچنین علی الصراری یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب سوسیالیست یمن نیز مقامات رژیم حاکم بر این کشور را مسؤول پدید آمدن چنین وضعیتی دانسته و می‌گوید: خشونت، خشونت می‌آورد و در نهایت مراکز قدرت و نفوذ را هدف قرار خواهد داد. حرص و ولع مردم برای در اختیار داشتن اسلحه نیز همین مساله را نشان می‌دهد. وی در همین حال مقامات یمن را از ادامه لجبازی‌های خود برحذر داشته و نسبت به پیامدهای این اقدام هشدار می‌دهد و می‌گوید: هیچ دلیلی ندارد که مردم ادامه این وضعیت را تحمل کنند. بنابراین خواستار مقابله با آن با تمام امکانات خود می‌شوند.

عبدالقُدوس المصواحي یکی از اعضای حزب وحدت‌گرای ناصری برعکس این اظهارات، بعید می‌داند که یمن به سمت خشونت بیشتر کشیده شود. به خصوص تا این اندازه که بازارهای خرید و فروش سلاح نشان این دهد. وی در عین حال معتقد است رژیم سعی می‌کند این مشکلات را دامن بزند ولی مسالمت‌آمیز بودن انقلاب یمن تاکنون تمام‌نقشه‌های او را نقش بر آب کرده است. به گزارش الجزیره در بین ساکنان شهر صنعائونعی نگرانی و بیم حکمفرماست؛ زیرا این شهر تقریباً بین سه پادگان تقسیم شده است، یکی گردان زرهی که سرلشکر جاشده علی محمد الاحمر کنترل آن را به دست دارد و دیگری گارد ریاست‌جمهوری یمن و سومی محله‌ای که شیخ قبیله حاشد یعنی صانق‌الاحمر در آن سکونت دارد. انقلابیون یمن اصرار دارند که حرکت اعتراضی‌شان تا آخر به صورت مسالمت‌آمیز ادامه یابد اما یفشاری دولت بر استفاده از زور و تجارت سوداگران سلاح ممکن است شرایطی را فراهم کند که این فقیرترین کشور عرب منطقه یکبار دیگر طعمه جنگی داخلی شود.

منبع:الجزیره

طی سال‌های اخیر مساله استقرار سپرهای دفاع موشکی آمریکا و ناتو در مجاورت روسیه به یکی از مهم‌ترین و لاینحل‌ترین چالش‌ها در روابط مسکو و غرب مبدل شده است. این چالش به حدی پیچیده و از نظر امنیتی مهم است که عملاً پای سایر کشورهای منطقه را نیز به مناقشه باز کرده است. در این بین به‌رم آنکه بحث استقرار سپر دفاع موشکی در ترکیه از مدت‌ها پیش مطرح بوده، اما اینک اعلام آمادگی آنکارا برای استقرار بخشی از سپر دفاع موشکی ناتو در مناطق جنوب شرقی خود، روسیه را به شدت نگران کرده است. اگرچه از نگاه دولت ترکیه، استقرار تاسیسات راداری هشداردهنده ناتو در خاک این کشور، توان دفاعی آنکارا و همچنین کل ناتو را افزایش می‌دهد، با این حال مقامات کرملین چنین طرحی را مغایر با منافع ملی و امنیت ملی خود می‌پندارند.

نگاهی به سامانه دفاع موشکی

سابقه «سپر دفاع موشکی» به «طرح دفاع راهبردی» به دولت رونالد ریگان باز می‌گردد که در دهه ۱۹۸۰ به عنوان تلاشی برای تحت پوشش قرار دادن سراسر خاک ایالات متحده مطرح شد. مطابق با این طرح که بعدها به «جنگ ستارگان» مشهور شد، حفاظت از ایالات متحده آمریکا در برابر حملات موشک‌های حامل کلاهک اتمی اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان دکترین امنیتی واشنگتن معرفی شد. در این بین به‌رم آنکه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، طرح فوق در آمریکا به طور جدی دنبال نشد، اما با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در کاخ سفید و حملات ۱۱ سپتامبر، یکبار دیگر مساله استقرار سامانه دفاع موشکی در سال ۲۰۰۲، مطرح شد. بر این اساس جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، هدف اصلی برنامه دفاع موشکی را ممانعت از حملات گروه‌های تروریستی و کشورهای سرکش، عنوان کرد و مطابق با دکترین «دفاع پیش‌دستانه»، احتمال دستیابی گروه‌ها و کشورهای معارض با ایالات متحده به کلاهک‌های اتمی را مهم‌ترین هدف فوق معرفی کرد.

با روی کار آمدن اوباما، دولت آمریکا سعی کرد روابط نامناسب و نزاع میان خود را با روسیه سامان دهد. از این رو دولت اوباما در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۹، طرح استقرار سامانه دفاع موشکی را در کشورهای لهستان و چک لغو کرد. با توجه به اینکه طرح استقرار سامانه دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپا از سوی روس‌ها به عنوان تهدید امنیت ملی قلمداد شده بود و آنها را به واکنش‌های متعددی واداشته بود، بنابراین اقدام جدید واشنگتن نتوانست تا حد زیادی روابط سرد میان دو طرف را بهبود بخشد و حساسیت‌های موجود در روسیه را برطرف کند. البته این پایان کار سپر دفاع موشکی نبود، زیرا اوباما هنگام اعلام قصد آمریکا مبنی بر صرف نظر کردن از این طرح، از پروژه جدیدی با همکاری ناتو خبر داد.

در آغاز رهبران ناتو از روسیه دعوت کردند به طرح سپردفاع موشکی این سازمان بپیوندند، با این حال روس‌ها پس از بررسی‌های خود متوجه شدند این طرح همچنان امنیت ملی مسکو را به خطر می‌اندازد. در طرح جدید که قرار است سامانه دفاع موشکی آمریکا و اروپا را به یکدیگر مرتبط کند، ناتو قصد دارد از استقرار یک رادار ثابت بزرگ و تجهیزات صحرایی سیستم دفاع موشکی در یک مکان صرف نظر کند و تمرکز خود را روی یک سیستم متداول طبقه‌بندی‌شده و قابل تعدیل قرار دهد. بنا بر آنچه اعلام شده، طرح جدید شامل چهار مرحله می‌شود:

مرحله اول با اعزام ناو موشک‌انداز: مونتری به سواحل اروپایی تا پایان سال ۲۰۱۱ عملی خواهد شد. علاوه بر این، موشک‌های رهگیر ۳-SM Block IA و ایستگاه راداری زمینی متحرک ۲-AN/TPY نیز در جنوب اروپا مستقر خواهند شد.

در مرحله دوم طرح که تا پایان ۲۰۱۵ به اتمام می‌رسد، رادارهای مدرن و همچنین سپرهای موشکی ۳-SM BLOCK IB در رومانی مستقر خواهند شد.

مرحله سوم تا پایان سال ۲۰۱۸ انجام خواهد گرفت و آمریکا باتری‌های سامانه‌های دفاعی ضدموشکی ۳-SM Block IIA را در لهستان مستقر خواهد کرد.

چهارمین مرحله نیز قرار است تا پایان سال ۲۰۲۰ به اتمام برسد و شامل سامانه‌های دفاعی ضدموشکی ۳-SM BLOCK IIB در اروپا مستقر خواهند شد که قادرند نقطه موشک‌هایی با برد متوسط، بلکه موشک‌های قاره‌پیما یا MBR با برد پنج‌هزار و ۵۰۰ کیلومتر را نیز رهگیری کنند.

در این بین نگرانی روسیه به مرحله چهارم مرتبط می‌شود. زیرا در این مرحله، سامانه دفاعی قادر به رهگیری موشک‌های قاره‌پیما با برد

متوسط می‌شود و چنین امری می‌تواند توان بازدارندگی روسیه را به خطر بیندازد. از این رو اختلاف نظرهایی درخصوص اصول ساخت سپرهای موشکی اروپایی وجود دارد. ناتو اصرار بر رده‌بندی عمیق سپرهای موشکی دارد که بر چهار مرحله توسعه آمریکایی این سیستم تکیه دارد. این در حالی است که روس‌ها به اهداف چنین اقدامی شک دارند و معتقدند چنانچه آمریکا در پایان چهارمین مرحله تکامل این سیستم‌ها در سال ۲۰۲۰، دوباره مانند بوش پسر عمل کند و سپرهای موشکی را در چک و لهستان



Corbis

بازی موشکی در زمین ترکیه

شعبیه بهمن*

مستقر کند، آنگاه نیروهای راهبردی بازدارنده هسته‌ای روسیه مورد تهدید قرار خواهند گرفت. روس‌ها معتقدند سپرهای موشکی آمریکایی مستقر در این منطقه، نه‌تنها می‌توانند موشک‌های راهبردی روسیه که از خاک این کشور به‌سمت شمال‌غرب پرتاب می‌شوند را مورد هدف بگیرند، بلکه قادر خواهند شد به اهداف زمینی نیز حمله هسته‌ای کنند.

موافقت ترکیه با استقرار بخشی از سامانه دفاعی ناتو در خاک خود، به معنای اجرایی شدن مرحله اول طرح ناتو است. سابقه استقرار سامانه دفاع موشکی در ترکیه به سال ۲۰۰۸ و سفر دیک چنی، معاون وقت رئیس‌جمهور آمریکا به آنکارا بازمی‌گردد. در آن هنگام

مقامات ترکیه اعلام کردند با ایجاد سپر دفاعی موشکی در خاک خود به شکل محدود موافقت خواهند کرد. بر اساس این برنامه قرار بود سیستم راداری موسوم به X-Band در خاک ترکیه و در نزدیکی مرز با ایران نصب شود و نخستین سری از موشک‌های بازدارنده در جمهوری آذربایجان برپا شوند. با این حال پس از تغییر و تحولات صورت‌گرفته در واشنگتن و روی کار آمدن اوباما، ابتدا این طرح به دست فراموشی

سپرده شد، اما پس از مدتی ایالات متحده یکبار دیگر در نشست سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در بروکسل به ارایه پیشنهاد خود مبنی بر استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه مبادرت ورزید. از زمان طرح مجدد این پیشنهاد، بحث و جدل‌های زیادی در ترکیه به پا شد. زیرا به نظر می‌رسید دولت ترکیه با تصمیم سختی روبه‌رو شده است. بر این اساس تصمیم‌گیری درخصوص پیوستن به این شبکه موشکی برای ترکیه آسان نبود؛ چراکه آنکارا نگران تاثیرات منفی این امر بر روابط رو به گسترش خود با

مشکلات حفاری نفت و گاز در قبرس

یک جزیره دو مدعی

محمود قاضلی



این نکته از سوی قبرس جنوبی که در نظر دارد مرزهای آبی و ساحلی خود را با انعقاد قراردادی با شرکت‌های خارجی برای انجام عملیات اکتشاف جهت دستیابی به نفت و گاز، به این شرکت‌ها واگذار کند، این امر با واکنش ترکیه و بخش شمالی قبرس همراه بود. به‌رم آنکارا مرزهای ساحلی قبرس متعلق به دو بخش شمالی و بخش جنوبی تقسیم شده بنابر این نیکوزیا حق ندارد قبل از حل مساله قبرس قراردادی را با شرکت‌های خارجی برای اکتشاف نفت و گاز در این منطقه امضا کند.زیرا رهبران بخش جنوبی و یونانی‌نشین، نمایندگان کل مردم قبرس نیستند.

بخش ترک‌نشین قبرس، با تحریک‌آمیز خواندن اقدام بخش یونانی‌نشین در اکتشاف منابع نفت و گاز در آب‌های ساحلی جزیره قبرس مدعی است منابع طبیعی جزیره متعلق به هر دو بخش جزیره است و هر دو بخش دارای حقوق مساوی در این منابع هستند و به‌رم برداری یکجانبه از این منابع منطبق با حقوق بین‌المللی نیست، ترکیه و بخش ترک‌نشین قبرس در سال‌های گذشته به‌طور صریح اعلام کرده بودند که منابع نفت و گاز حوزه قبرس متعلق به هر دو بخش جزیره است و این منابع نمی‌تواند به طور انحصاری از سوی بخش یونانی‌نشین

ایران و روسیه بود. در آن زمان آنکارا اعلام کرد تا هنگامی که استقرار سپر دفاع موشکی به سبب مقابله با تهدید ایران، توجیه شود، آن را نخواهد پذیرفت؛ زیرا ناتو پیش از این اعلام کرده بود هدف از سپر دفاع موشکی، حمایت از کشورهای عضو ناتو در صورت بروز هرگونه درگیری نظامی با ایران در سایه پرونده هسته‌ای این کشور است. از این رو ترکیه برای استقرار این سامانه دفاعی در خاک کشور خود، در نشست لیسبون شروطی را تعیین کرد که عبارت بودند از:

۱. طرح سپر دفاع موشکی برای هیچ یک از همسایگان ترکیه تهدیدساز نباشد؛
۲. کل حریم هوایی ترکیه را در بر بگیرد و تنها مخصوص استقرار در مرز ایران نباشد؛
۳. آنکارا در سیستم فرماندهی طرح مشارکت داشته باشد؛

۴. طرح به شدت کنترل شود و اطلاعات این سیستم به کشورهای غیرعضو ناتو به ویژه اسرائیل درز نکند.

در حال حاضر مشخص نیست که خواسته‌ها و شروط ترکیه مورد پذیرش غرب قرار گرفته‌اند یا آنکارا با حساب سایر معادلات امنیتی به پذیرش استقرار بخشی از سامانه دفاعی ناتو در خاک خود تن داده است. در این بین آنچه مشخص است، نصب رادارهای آمریکایی در خاک ترکیه است که قادر خواهند بود هرگونه موشکی که از کشورهای همسایه ترکیه به سوی اروپا و آمریکا پرتاب می‌شوند را به مجرد پرتاب، شناسایی کرده و از بین ببرند.

چشم‌انداز آینده

استقرار بخشی از سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه از یک سو بر روند رو به رشد روابط تهران و آنکارا تاثیر خواهد گذاشت و از سوی دیگر مناسبات گسترده ترکیه با روسیه را تحت تاثیر قرار خواهد داد؛ زیرا چنین امری نه‌تنها برای نیروی هسته‌ای راهبردی روسیه خطرآفرین خواهد بود، بلکه خطر کاهش توانمندی نیروی بازدارنده مسکو می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی منجر شود و در نهایت منطقه و سراسر جهان را درگیر یک بازی بی‌پایان کند. به همین دلیل نیز روسیه بارها با استقرار سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا در خاک ترکیه و در منطقه دریای سیاه مخالفت کرده است. مخالفت روسیه با این طرح در حالی صورت می‌گیرد که حتی اگر تسلیحات مستقرشده در ترکیه، راهبردی هم نباشند، باز هم وجود آنها در نزدیکی مرزهای روسیه، تهدیدی برای امنیت این کشور خواهد بود. از این رو مقامات مسکو استقرار سامانه‌های دفاع ضد موشکی ناتو را در ترکیه غیرقابل قبول می‌دانند و معتقدند استقرار این تجهیزات می‌تواند به حضور کشتی‌های نظامی آمریکایی و تسلیحات مدرن در منطقه منجر شود.

علاوه بر این، استقرار سامانه دفاع موشکی در ترکیه، از یک سو روابط روسیه با آمریکا و ناتو را متزلزل خواهد کرد و از سوی دیگر موجب نزدیکی تهران و مسکو خواهد شد. شواهد تاریخی نشان داده که هرگاه روابط روسیه و آمریکا تیره شده، مناسبات تهران و مسکو بهبود یافته است. همچنین ناهمسویی منافع و مواضع ایران و روسیه با ترکیه درخصوص تحولات خاورمیانه و به ویژه اوضاع سوریه، موجب افزایش شکاف در روابط طرفین شده است. از این رو احتمال آنکه در آینده تغییرات در دک‌رونی‌هایی در صورت‌بندی روابط ایران، روسیه، آمریکا و ترکیه روی دهد، افزایش یافته است.

✽ پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. گفته می‌شود منابع نفت و گاز این منطقه قادر به تامین نیازهای گاز اروپا تا تصدال است و در صورت بهره‌برداری از منابع گاز منطقه بخش یونانی‌نشین همه ساله امکان کسب ۱۰ میلیارد دلار درآمد را دارا خواهد داشت.

رهبر بخش ترک‌نشین قبرس، اقدام بخش یونانی‌نشین قبرس برای استخراج گاز در دریای مدیترانه را ایجاد دردرسر جدید ارزیابی می‌کند. به گفته وی «ذخایر زبردربایی مدیترانه تنها متعلق به یونانی‌تباران نیست، تکتباران قبرس و ترکیه نیز در آن سهمیه هستند و توصیه می‌کنم برای جلوگیری از تشدید کشمکش‌ها در منطقه، یونانی‌تباران از این تصمیم خود منصرف شوند.»وزارت امور خارجه ترکیه نیز فعالیت‌های بخش یونانی‌نشین قبرس در این زمینه را غیرمسئولانه ارزیابی و مدعی است این‌گونه اقدام‌ها به تلاش‌هایی که برای حل مساله قبرس صورت می‌گیرد، ضربه خواهد زد. آنکارا از بخش یونانی‌نشین قبرس خواسته است از هرگونه اقدامی که می‌تواند موجب تشدید تنش در منطقه شود، پرهیز کند. ترکیه از جامعه بین‌المللی خواسته است مانع غصب حقوق بخش ترک‌نشین در دریای مدیترانه شود.

اما بخش یونانی‌نشین قبرس زمان حفاری نفت و گاز در شرق دریای مدیترانه را در اول ماه اکتبر اعلام کرده است. مدیر بخش انرژی وزارت تجارت و گردشگری بخش یونانی‌نشین در گفت‌وگو با روزنامه «آلیتیا» اعلام داشته است: «شرکت نفتی نوبل انرژی متعلق به شرکت نفتی بزرگ آمریکایی آکسون موبایل است. وزیر خارجه بخش یونانی‌نشین قبرس اعلام کرد فعالیت‌های تجسس برای نفت و گاز طبیعی در مدیترانه به زودی آغاز خواهد شد. بخش یونانی تبار قبرس درصدد جلب حمایت بین‌المللی برای طرح خود در جهت پژوهش گاز طبیعی در مدیترانه شمالی است. وزیر امور خارجه بخش یونانی‌نشین قبرس که چندی پیش از اتحادیه اروپا و افکار عمومی بین‌المللی خواستار موضع‌گیری علیه ترکیه در این زمینه شده بود، اعلام داشته است که از ماه اکتبر در مدیترانه آغاز به اکتشاف و استخراج گاز طبیعی خواهد کرد و در تلاش جلب حمایت در جامعه بین‌المللی و در تلاش برای کشاندن اسرائیل به طرف خود هستند.

معیارهای دوگانه غرب

■ خبر مصداهه اموال برخی از شخصیت‌های سوری از جمله ولید المعلم وزیر خارجه و یثینه شعبان مشاور او که در رسانه‌های غربی پخش شد، مضحك و مسخره بود. این خبر طوری پخش می‌شد که گویی چنین اقدامی موجب آزادی ملت سوریه از خشونت‌هایی خواهد شد که در حال حاضر درگیر آن هستند یا صدها نفری را که کشته شده‌اند از نو زنده خواهد کرد یا موجب آزادی هزاران نفر از زندان‌های تنگ خواهد شد. نمی‌دانم ما باید تا کی به این خرد مردد و نامتوازن غربی سه که هر چیزی را با معیاری متفاوت ارزیابی می‌کند،احترام بگذاریم؟ دیدیم که همین غربی‌ها برای مدتی طولانی با شخصیتی چون قذافی حتی به شکلی مبتدل و شرمگینانه مرده‌ا داشتند. هر روز یک هیات به دیدار او می‌رفت. حتی نخست‌وزیران غربی شرم‌شان نیامد که برخلاف عادت اروپایی‌شان دول شوند و دست او را بیوسسند. تونی بلر رفت و طالب دوستی با او شد. کاندولیزا رایس همین‌طور، نیکولا سارکوزی در پاریس از او به مثابه یک فاتح استقبال کرد و او توانست خیمه‌اش را حتی در نیویورک نصب کند.

این درحالی بود که همه اینها به کمک رسانه‌ها و نهادهای‌شان از رزشتی‌های رژیم قذافی آگاه بودند و سستمگری او را نسبت به ملتش می‌دانستند. از هزاران زندانی در لیبی خبر داشتند و از پرده‌دری‌های فرزندانش بی‌اطلاع نبودند. سال‌ها بود که سران کشورهای غربی اینها را می‌دانستند و حتی یک گوشه چشمی هم به ملت رنج دیده لیبی نگاه نکردند. حتی مزدوران قذافی یک پالس انگلستان را در روز روشن در پایتخت بریتانیا کشتند و در طول این سال‌ها چند هواپیمای کشورهای غربی را سرنگون کردند اما آنها به عشق دلارهای نفتی دیدیم که چگونه از قذافی استقبال کردند. در مورد عبدالرسیر رئیس‌جمهور سودان نیز به همین منوال. برای او دادگاه بین‌المللی تشکیل دادند و فرمان تحت تعقیب صادر شد. بارها تحریم شد اما وقتی سودان به دومیج شد، اوضاع آرام گرفت و همه آن تهدیدها و تحریم‌ها به پایان رسید. در واقع سودان تغییر کرد اما عمرالبشیر ناه‌البته موضع غرب هم نسبت به او در حال تغییر است. مامات که منافع غرب اقتضا کند با این حاکمان ستمگر و شهوت‌پرست کنار می‌آید. خودش برای آنها اتهامات می‌سازد و خودش هم به فراخور شرایط این اتهامات را یکی پس از دیگری حذف می‌کند. این همان رفتار دوگانه غرب در رابطه با ماست.

غرب دریافته است که اخلاق سیاسی در دوره کنونی به شکل بی‌سابقه‌ای فروکاهیده شده است. با دیکتاتورها به برخوردی دوگانه دارد و همین مساله موجب افزایش قدرت جمهوری‌های وحشت می‌شود. اما این امر هزینه‌هایی را که باید ملت‌ها در راه مبارزه با اینها صرف کنند، بسیار بیشتر می‌کند. هیچ‌کس هم نسبت به اینها بی‌گوشه دورویی و نفقای پس است. حمایت از چنین رژیم‌هایی تحت عنوانی گوناگون از جمله قوانین بین‌المللی یا روابط دیپلماتیک کافی است. کسی نیست تا به مقامات غربی بفهماند که دست از این منطلق معوج باید برداشت. درست در لحظاتی که دهه‌ا نفر در خیابان‌ها و شهرهای سوریه کشته می‌شوند، بیانیه مسخره‌ای با این مضمون منتشر می‌شود که دارایی‌های سه نفر از مقامات سیاسی این کشور ضبط شده است.

مگر اموال این سه نفر را اگر جمع کنند، چند دلار می‌شود. این مبلغ حتی کمتر از مقدار پولی خواهد بود که طی شش ماه گذشته صرف خرید گلوله برای شلیک به تظاهرات‌کنندگان شده است. تا چه رسد به خسارت‌هایی که وارد شده یا خون‌ها که کاشه‌ای که ریخته شده است و... کدام سرمایه‌دار بانفوذ سوری است که در بانک‌های غرب چنین ثروتی نداشته باشد؟ در همین حال شهروندان عرب از طریق ماهواره‌های خود می‌بینند که خانه‌های ستمگران چگونه خالی شده و دیگر از آن عظمت و ابهت خبری نیست و اموال‌شان را گذاشته و فرار را برقرار ترجیح داده‌اند. رفتار فرزندان قذافی، و صدام حسین و دوستان تن بی‌لی و علی عبدالله صالح بر کشورهای غربی پوشیده نبود. اما طی این سال‌ها آنها گوش‌های داشتند که نمی‌شنید و چشم‌هایی که نمی‌دید یا می‌دید ولی خطاپوشی می‌کرد. خلا می‌خواهند این طور به ما تفهیم کنند که مشکل در همین مصداره چند دلار از تعداد افراد محدود است.

بهرتر است غرب که اعدای تمدن می‌کند، کاری فراتر از این مصداره‌ا انجام دهد. قطعه‌نامه‌هایی را در شمول بند هفتم منشور سازمان ملل قرار دهد. زمان آن فرا رسیده است که به لحاظ انسانی برای نجات تعداد بیشتری از مردم که هر روزه اینجا و آنجا در خیابان‌ها یا زندان‌ها کشته می‌شوند، دستکاری صورت گیرد. کما اینکه زمان آن رسیده که دادگاهی شیهه دادگاه نورنبرگ برای محاکمه قاتلان برپا شود. نه به خاطر این که گذشته اتفاق افتاده است، بلکه به خاطر اینکه در آینده دیگر چنین اتفاقاتی رخ ندهد. تا اینجا روشن شده است که نبرد برای آزادی لیبی دست کم ۵۳هزار کشته به همراه داشته است که بسیاری از آنها کشته شده یا در اردوگاه‌ها سوخته‌اند. این درحالی است که ماجرا همچنان ادامه دارد. تجربه آزادی از جنگ نظامی دیکتاتوری در کشورهای عربی بسیار تلخ و پرهزینه است. هر گروهی هم که بیاید گروه قبلی را محکوم می‌کند و دوباره خود بر قدرت سوار می‌شود. چگونه می‌توان به ملت‌های عرب قضاوت نهادی بر عهده کلام عمومی مردم جهان باشد و مقامات بین‌المللی به‌خصوص افرض شورای امنیت سازمان ملل متحد اجازه دهند دیگر چنین تجاربی تکرار شود و همین‌طور در برابر طولانی ترشن ستم ستمگران تماشاچی نباشند.

منبع:الشرق الاوسط